

# مطالعه تطبیقه مفهوم بطن قرآن



## چکیده

بطن در لغت خلاف ظاهر، امر پوشیده و به آنچه از حواس پنهان می ماند، گفته می شود. بطن قرآن را با مفاهیمی چون تأویل، معنای حروف مقطعه، احرف سبعة و قاعده جری و تطبیق مترادف دانسته اند، ولی به نظر می رسد، بهترین تعریف اصطلاحی برای بطن قرآن، مراتب متعدد معنایی فراظاهری و عمق ژرفای آیات است. برخلاف نظر افراد زیادی که بطن قرآن را عامل جاودانگی آن می دانند، باید گفت: وجود بطن در قرآن به تنهایی، علت جاودانگی آن نیست، بلکه ظاهر قرآن با چینش حکیمانه اش، جاودانگی آن را تضمین کرده است؛ یعنی اگر به وجود بطن قرآن قائل نباشیم، لطمه ای به جاودانگی آن نمی خورد. دسترسی به این لایه های معنایی ماورای ظاهر قرآن، برای کسانی میسر است که علاوه بر دانستن علوم ظاهری مانند قواعد و لغت عرب، به تهذیب نفس و پاکی درون پرداخته اند، که بدین واسطه به ایمان و معرفتی رسیده اند که درجاتی از علوم حضوری از مجرای علم الهی بر جانهای آنها سرازیر گشته است. این در حالی است که علم کامل و شامل از بطون قرآن، نزد امامان معصوم (ع) است.

کلیدواژه ها: بطن قرآن، تأویل، جری و تطبیق، لایه های معنایی، اهل بیت (ع).



## مقدمه

ظهر و بطن قرآن در شمار آن گروه از مبادی فهم قرآن است که در گذر دوره‌های قرآن‌پژوهی، با تفسیرها و داوریهای مختلفی رو به رو بوده است. این نوشتار نشان خواهد داد که ژرفای نهفته در ورای ظاهر آیات قرآن، (بطون) حقیقتی است که در عصر نزول، مورد توجه پیامبر اکرم (ص)، اهل بیت (ع) و مؤمنان قرار داشته و در تاریخ بلندی که بر حیات قرآن گذشته، نیز هرگز از نگاه تیزبین اندیشه‌وران اسلامی پنهان نمانده است. ژرفای مفهومی این واژه افزون بر آنکه نگاه ویژه هستی‌شناسانه اخلاق قرآنی را در خود جای داده، پیدایی فرقه‌های کلامی و مشربهای فقهی و تفسیری را در میان مسلمان برتابیده است. پرسشهایی چون وجود، ماهیت و فهم بطون قرآنی، پیش‌فرضها و ره‌آورد‌های قرآن، رابطه ظاهر و باطن، میزان ارزش و اعتبار لایه‌های درونی مفاهیم قرآن و عنوانهایی از این دست، میوه‌های درختی هستند که در متن مسئله ظاهر و باطن رویده است. برخی از پرسشهای اساسی نیز که با طرح مسئله ظهر و بطن، ممکن است بر ذهن خواننده گرامی سنگینی کند، مورد توجه نگارنده قرار گرفته و پاسخهای درخوری به آنها داده شده است. هم‌زمان با تبیین موضوع محل بحث، مشخص می‌شود که بطون و ژرفای بی‌پایان این کتاب آسمانی است که سبب می‌شود قرآن، در عین «ثبات» و «محدودیت» ظاهری، تحرک و دینامیسم درونی و عمق پایان‌ناپذیری نیز داشته باشد و تا پایان عمر دنیا بر نیازهای معرفتی و معیشتی آدمیان پرتو افکند. در نوشتار حاضر پس از بیان معنا و مفهوم بطن قرآن، دیدگاه قرآن، روایات و اندیشمندان مفسر و محدث (شیعه و سنی) بررسی و تحلیل می‌شوند و بهترین دیدگاهها ارائه می‌گردند. همچنین دیدگاههای دانشمندان صاحب‌نظر فریقین (موافقان و مخالفان) با نگرشهایی متفاوت، درباره امور متفرع بر اثبات اصل بطن قرآن همچون امکان فهم آن برای غیر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق در صدد پاسخگویی به این سؤالات است: آیا اساساً برای قرآن، بطن یا بطونی وجود دارد یا بطن مسئله‌ای ساختگی برای توجیه اعتقادات مذهبی برخی افراد است؟ اگر قرآن دارای بطن است، بطن قرآن به چه معناست و پشتوانه و اساس این تعریف چیست؟ آیا بطن قرآن، به تنهایی علت جاودانگی آن است؟

## بطن در لغت و اصطلاح

بطن در لغت خلاف ظاهر،<sup>۱</sup> امر پوشیده و به آنچه از حواس پنهان می‌ماند، گفته می‌شود. همچنین بطن عضوی از بدن است

۱. کتاب العین، ج ۷، ص ۴۴۰.

که جمع آن بطون است. بطن، زمانی به کار می‌رود که چیزی در عمق زمین باشد و مخفی بماند. بطن هر چیز جوف و درون آن است.

مراد از بطن درباره قرآن، آن است که به تفسیر نیاز دارد نه بیان آن. بطن اصطلاحاً اشاره به معارف ارزشمند و علوم غیبی دارد و گاه اشاره به علوم اخروی در مقابل علوم دنیوی دارد.<sup>۲</sup> با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی یاد شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که، بطن قرآن، لایه (یا لایه‌های) پنهان و ناپیدایی است، که آشنایی با زبان و لغت عرب، به تنهایی برای نیل به آن کافی نیست، بلکه دستیابی به آن، در گرو تدبر و تعقل مستمر در معارف و مفاهیم قرآن و رعایت برخی ضوابط و شرایط دیگر، از جمله پاکی درون و صفای دل، افزون بر آشنایی با زبان و لغت عرب است.

نکته مهم و قابل تأکیدی که شرح مفصل آن، نوشتاری مجزا را می‌طلبد، ارتباط باطن قرآن با تدبر در آن است. با عنایت به اینکه در قرآن کریم، غایت انزال کتاب خدا، تدبر در آن معرفی شده است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>۳</sup> و وظیفه همگانی در قبال قرآن کریم، اهمیت دادن به تدبر در آن است.

تدبر از ریشه دبر به معنی پشت و پشت سر است.<sup>۴</sup> ولی با توجه به باب تفعّل، از آنجا که تفعّل پذیرش تفعیل است، تدبر پذیرش تدبیر یعنی فهم چینش واژگان و ظاهر قرآن است. پس با توجه به آیه ذکر شده و روایات مختلفی که بر تدبر در آیات قرآن در کنار قرائت آن تأکید نموده‌اند، برای بیان مفهوم و محتوای آیات همواره باید بر ظاهر و چینش و اتصال آنها باهم توجه شود و هیچ آیه‌ای را نباید به طور مجزا در نظر گرفت.

نکته قابل توجه در موضوع بطن قرآن، آن است که نباید توجه به باطن قرآن، انسان را از ارتباط معجزه‌آسای ظواهر آیات و کلمات قرآن غافل کند. به این معنا که هر فهمی از قرآن، اگر خلاف ارتباط چینشی آیات باشد، با توجه به معنای تدبر و توصیه قرآن به آن، قابل اعتنا نیست.

توضیح آنکه، آنچه مانع نفوذ سلاقی و فهمهای خلاف واقع از آیات قرآن می‌شود و فهمی منسجم و هماهنگ را از شاهراه ضابطه و قانون میسر می‌کند، توجه به فهم مجموعی ظاهر قرآن است. عدم توجه به این مهم، قرآن را به کنسکولی از فهمهای مختلف مبدل می‌کند که هر برداشت و دریافتی از آیات مختلف، میسر، و در نتیجه فهم قرآن مشکک، غیر قابل اتکا و غیر یقینی می‌گردد.

۲. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۲.

۳. المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۳۰.

۴. ص ۲۹.

۵. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۷۳؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۰۶.

## بطن از نگاه قرآن

واژه «ظاهر» و «باطن» در متون اسلامی، نخستین بار در قرآن کریم به کار رفته است: مانند آیات «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»<sup>۳</sup> و «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ»<sup>۴</sup>.

قرآن، درباره ظاهر و بطن، به صراحت سخن نمی‌گوید. اما آیات بسیاری که همگان را به تدبر، تعقل و تفکر در قرآن دعوت و توصیه کرده‌اند،<sup>۵</sup> خود حاکی از وجود لایه‌های معنایی نهفته در ورای آیات هستند. همچنین در برخی از آیات، خداوند مشرکان را به خاطر شنیدن و تدبر نکردن در کلام وحی، مورد نکوهش قرار می‌دهد.<sup>۶</sup>

شاطبی در توضیح آیه ۷۸ سوره نساء «... فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا»؛ «این قوم را چه شده است که نمی‌خواهند سخنی را [درست] دریابند؟»، می‌گوید: «مراد خداوند از نفهمیدن آنها، نه این است که نفس کلام را نمی‌فهمند؛ زیرا قرآن به زبان آنها نازل شده است. بلکه منظور آن است که آنها از فهم مراد خداوند بهره‌ای ندارند».<sup>۷</sup> چرا که انسان فطرتاً حقیقت جو و خدانشناس است. ولی وقتی انسان فطرت پاک خویش را آلوده به امیال نفسانی و کدورت‌های گناهان می‌کند، ضمیر خداجو و حق‌طلب او کدر شده و دیگر این هوای نفس و امیال شهوانی اوست که عنان قدرت را در او در دست می‌گیرد و آن‌گاه در شناسایی حق و باطل و گناه و ثواب دچار اشتباه می‌شود و روز به روز ظلمات بیشتری او را فرا می‌گیرد.

آلوسی، به منظور اثبات این مطلب که قرآن، افزون بر ظاهر، بطونی دارد که در ورای الفاظ آن نهفته است، به آیاتی مانند «... وَتَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ...»<sup>۸</sup> و «... مَا قَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...»<sup>۹</sup> که قرآن را تفصیل کل شیء یا جامع علوم معرفی می‌کنند، تمسک کرده، و فهم آنها را منوط بر عقیده به وجود بطن در قرآن می‌داند و می‌گوید: «در شکفتن، چسان برای دیوان متنبی (شاعر معروف عرب)، معانی فراوانی احتمال می‌دهند؛ ولی برای کلام وحیانی الهی که بر واپسین پیامبر نازل شده است، معانی نهفته در ورای الفاظ و کلمات را باور ندارند؟»<sup>۱۰</sup>

در اینکه آیات قرآن را به معانی مختلفی می‌توان تعبیر کرد،

شکی نیست، ولی این را نیز باید در نظر داشت که آیات قرآن همگی در ارتباط باهم هستند و یک آیه را نباید از جایگاه آن در سوره خارج کرد و به صرف اعتقاد به بطن قرآن، به معانی و تفاسیر مختلف از آن پرداخت. وقتی آیه و کلمات قرآن در کنار هم قرار دارند، مانند نقاطی هستند که هریک ممکن است خطوط (معانی) مختلفی را از خود عبور دهند، ولی فقط خط و معنایی قابل قبول و صحیح است که در ارتباط با آیات مجاور بوده و جدای از معنای کلی آنها نباشد.

## بطن از نگاه روایات

در روایات متعددی بر وجود بطن قرآن تصریح شده است. ولی هریک برای تعریف بطن قرآن، تعبیرهای مختلفی به کار برده‌اند. روایات زیر از آن جمله‌اند:

۱. بطن یا بطون قرآن، وجود لایه‌های معنایی در آیات است که براساس فهم و ظرفیت مخاطب شکافته می‌شوند.

عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت می‌کند که به خدمت امام صادق (ع) رسیدم و از مفهوم آیه «ثُمَّ لِيُقْضَىٰ لَهُمْ...»<sup>۱۱</sup> پرسیدم، فرمود: گرفتن موی پشت لب، چیدن ناخن و مانند اینها. گفتم: فدایت شوم ذریع محاربی از شما این‌گونه نقل کرده است که منظور از زدودن آلودگی، دیدار امام و وفای به نذر، در مناسک حج است. حضرت فرمود: ذریع راست می‌گوید و تو هم راست می‌گویی؛ قرآن ظاهری دارد و باطنی و چه کسی می‌تواند آنچه را که ذریع تحمل می‌کند، تحمل کند؟<sup>۱۲</sup>

۲. باطن امری نسبی است. به این معنا که هر ظاهری نسبت به ظاهر خودش، باطن و نسبت به باطن خودش، ظاهر است. به بیان دیگر هر بطنی نسبت به مرتبه مافوق ظاهر است.

جابر بن جعفری می‌گوید: از امام باقر (ع) تفسیر آیه‌ای را سؤال کردم، امام پاسخی داد. در فرصتی دیگر درباره تفسیر همان آیه سؤال کردم، امام جواب دیگری داد. به ایشان عرضه داشتم: پیش‌تر در پاسخ به همین آیه جواب دیگری دادید. امام فرمود: ای جابر! برای قرآن بطنی است و برای بطنش نیز بطنی دیگر است. همچنان که برای آن ظاهری است و برای ظاهرش، ظاهری دیگر. ای جابر! برای عقول مردم، هیچ علمی دشوارتر و دیرپاب‌تر از علم تفسیر قرآن نیست؛ زیرا یک آیه قرآن ممکن است اولش درباره چیزی، وسطش درباره چیز دیگر و آخرش درباره چیز سومی باشد. با اینکه یک کلام است و اول و وسط و آخرش به هم متصل است، اما در عین حال به چند وجه گردانده می‌شود.<sup>۱۳</sup>

۱۴. حج، ۲۹.

۱۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۴۸۶.

۱۶. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۱.

۳. حدید، ۳.

۷. لقمان، ۲۰.

۸. نساء، ۸۲؛ محمد، ۲۴؛ نحل، ۴۴.

۹. نساء، ۷۸.

۱۰. الموافقات فی اصول الشریعه، ص ۶۴۷.

۱۱. انعام، ۱۵۴.

۱۲. انعام، ۳۸.

۱۳. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱، ص ۸.





۳. قاعده جری و تطبیق که دلالت بر جاودانگی قرآن دارد، در گرو باور به وجود بطن در قرآن است.

فضیل بن یسار می‌گوید: درباره روایت «ما من آیه إلا و لها ظهر و بطن»، از امام باقر(ع) پرسیدم. ایشان فرمود: درون قرآن «تأویل» آن است، قسمتی از تأویل قرآن گذشته و برخی دیگر هنوز نیامده است. قرآن مانند خورشید و ماه در حال جریان می‌باشد. همان‌طور که خورشید و ماه در انحصار منطقه‌ای نیست، همچنین قرآن نیز در انحصار افراد خاصی نمی‌باشد.<sup>۱۷</sup> امام باقر(ع) همچنین فرموده است: «ظاهر قرآن همان مصداقها (اسباب و شأن نزولها) و مواردی است که آیات درباره آنها نازل شده است و باطن قرآن، مصداقها و اشخاصی هستند که (در آینده می‌آیند و) مانند گذشتگان (که آیات درباره آنها نازل شده است) عمل می‌کنند».<sup>۱۸</sup> در این روایت نیز ایشان به قاعده جری و تطبیق با بیان دیگری اشاره دارند.

برخی بطن و جری و تطبیق را از هم مجزا می‌دانند و بر این عقیده‌اند که قاعده جری و تطبیق، نوعی تطبیق ظواهر قرآن بر مصادیق خارجی است، اما در بطن، نوعی تطبیق باطن قرآن بر مصادیق است و این دو نوع تطبیق است.<sup>۱۹</sup>

تفاوت این دو رویکرد در تفاوت تعریف بطن قرآن است، به طوری که اگر بطن قرآن را درونی‌ترین لایه معنایی قرآن بدانیم که فقط ائمه اطهار به آن اشراف کامل دارند و علم ما از آن بسیار جزئی است، آن‌گاه بطن و جری و تطبیق را باید از هم مجزا بدانیم. ولی منظور آن است که قرآن کریم در کاربرد یک لفظ، معنای ظاهری آن را اراده می‌کند، و هم‌زمان با آن مفهوم ثانوی عام را که شامل موارد دیگری هم می‌شود، لحاظ می‌کند، به طوری که همین مفهوم عام ثانویه مقصود اصلی قرآن است، و استمرار و بقای مقاصد قرآن را به گونه‌ای عام و فراگیر در طول زمان تضمین می‌کند و آن را از انحصار موارد خاص (مورد نزول) خارج می‌گرداند.<sup>۲۰</sup>

۴. همه آیات دارای باطن هستند و باطن همان فهم مخاطب از قرآن (در هر رتبه‌ای) است.

امام علی(ع) می‌فرماید: هر آیه‌ای چهار معنی دارد؛ ظاهر، باطن، حد و مطلع؛ ظاهر آن تلاوت است، باطن آن فهم از آیه است، حد آن احکام حلال و حرام است و مطلع آن مراد خداوند از بنده توسط آیه است.<sup>۲۱</sup>

۵. قرآن بطون متعددی دارد. در برخی روایات به هفت بطن اشاره شده است.

رسول اکرم(ص) فرمود: قرآن ظهر و بطنی دارد و بطن آن هم بطنی دارد تا هفت بطن.<sup>۲۲</sup>

به نظر می‌رسد بیان عدد برای درجات عمق قرآن صحیح به نظر نمی‌رسد و اشاره به عدد هفت در پی بیان حکمتی بوده که در کلام برخی از بزرگان اشاره شده است. قرآن همانند اقیانوسی بی‌انتها دارای بطون متعدد و نامحدود است. هر بطن قرآن از بطنی دیگر حالت مراتب تشکیکی دارد و غیر قابل تفکیک است.

فیض کاشانی درباره وجود هفت بطن قرآن، چنین می‌نویسد: «هریک از بطن و ظهر دارای دو طرفند، طرف فوق و تحت، بنابراین حدود ظهر و بطن چهارند و چنانچه معلوم شد هر حدی مطلعی دارد، لیکن ظهر استثنا می‌شود و حد ظهر تحت است و مطلع ندارد؛ چون مطلع همواره در فوق است. پس حدود چهارند و مطلع سه و در مجموع هفتند و سبب انحصار قرآن به هفت حرف این است».<sup>۲۳</sup>

## مروری بر اعتبار و محتوای روایات

۱. قرآن علاوه بر ظاهر، مسلماً باطنی نیز دارد؛ زیرا علاوه بر عدم مخالفت مضمون روایات با قرآن، فراوانی این روایات در منابع روایی و تفسیری شیعه و سنی، به گونه‌ای است که هیچ تردیدی در اعتبار سند آنها باقی نمی‌گذارد. (گرچه در تفسیر یا تعیین مصادیق ظهر و بطن ممکن است اختلاف دیدگاههایی وجود داشته باشد؛ همان‌گونه که چنین اختلافی ممکن است میان دانشمندان یک مذهب هم دیده شود) همین فراوانی سبب شده است تا برخی از اندیشه‌وران، این روایات را متواتر<sup>۲۴</sup> و برخی نیز مستفیض<sup>۲۵</sup> بدانند. بزرگانی چون شیخ طوسی در التبیان، کلینی در الکافی، سیوطی در الاتقان، زرکشی در البرهان، طباطبایی در المیزان و ... نیز این روایات را معتبر تلقی کرده و به شرح و تحلیل مضمون آنها پرداخته‌اند.

۲. در سلسله سند تمام روایات، اثری از اسماعیلیه و باطنیه نیست و این در حالی است که عده‌ای از آنها در پی سوء استفاده و بیان تفاسیر افراطی بوده‌اند، ولی از جانب اهل بیت(ع) با آنها برخورد شده است.<sup>۲۶</sup>

۳. گروهی از روایات این باب فقط از اشمثال قرآن بر «بطن» یا «بطون» سخن گفته‌اند؛ اما برخی دیگر، به اشمثال هر آیه‌ای از قرآن (لکل آیه) بر بطن یا بطون اشاره کرده‌اند. از آن جهت که قرآن همان آیات، و آیات نیز همان قرآن است، جمع میان

۲۲. همان، ج ۱، ص ۷۰.

۲۳. همان.

۲۴. محاضرات، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲۵. مرآة الأنوار و مشکوة الأسرار، ص ۳.

۲۶. پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن، ص ۲۴.

۱۷. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۴.

۱۸. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲.

۱۹. «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق»، ص ۵۵.

۲۰. تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۹۶.

۲۱. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۱.

روایات این است که همه آیات قرآن را دارای «بطن» یا «بطون» بدانیم.

۴. گرچه در روایات بر وجود بطن در قرآن صحنه گزارده شده است، ولی این بدان معنا نیست که اگر قائل به بطن قرآن باشیم، لطمه‌ای به جاودانگی آن می‌خورد؛ زیرا ظاهر قرآن و تدبر در آن، که در آیات مختلف به آن سفارش شده است، نیازی به بطن یابی ندارد و در هر عصر و زمانی برای خوانندگان متدبر بهترین راهنمای زندگی و سعادت دنیا و آخرت است.

### بطن قرآن از دیدگاه عقل

قرآن کلام الهی و تجلی بخش اسماء و صفات الهی است، همان‌طور که امام علی (ع) می‌فرماید: «فتجلی لهم - سبخانه - فی کتابه من غیر ان یکنونوا راه». <sup>۲۷</sup> از سوی دیگر خداوند متعال، ذاتی لایتناهی دارد، با توجه به لزوم سنخیت سخن با صاحب سخن، قرآن کریم می‌بایست محتوایی لایتناهی و برای سنخیت با عالم محدود دنیا، ظاهری محدود داشته باشد. <sup>۲۸</sup>

### بطن قرآن در اجماع

مطالعه در آثار اندیشمندان اسلامی، این حقیقت را آشکار می‌سازد که تعدد لایه‌های معنایی آیات قرآن که از آن به ظهر و بطن تعبیر می‌شود، همواره مورد توجه جدی آنان قرار داشته و دیدگاه‌های مختلف و گاه متناقضی در این زمینه ارائه شده است.

از آن جمله به دیدگاه برخی از اهل تسنن می‌توان اشاره کرد، که با توجه به وجود احادیث صحیح در تأیید بطن قرآن، خود را در وجود بطن قرآن هم عقیده با شیعیان می‌دانند، و مدعی هیچ تعارضی با شیعیان نیستند. ولی گروه دیگری از اهل تسنن، باطنیه و شیعیان را به دلیل اعتقاد به وجود بطن در قرآن متهم می‌کنند و اعتقاد دارند آنها در جهت دستیابی به اغراض و خواسته‌های خود، برای قرآن بطن قائل هستند. <sup>۲۹</sup> از آن جمله می‌توان به یوسف قرضاوی یکی از بزرگان اهل سنت اشاره کرد که باطنیه و شیعیان را به دلیل پرداختن به باطن، دچار افراط‌گرایی می‌داند. <sup>۳۰</sup>

در مقام پاسخ باید گفت: اگر پذیرش عقاید فرقه باطنیه را به معنای انکار ظواهر قرآن بدانیم، که جز اقلیت محدودی از جمله صوفیه کسی قائل به آن نشده است، سخن فوق صحیح است، ولی اگر عقاید مزبور را معنایی در طول معانی قرآن بدانیم، نه تنها ممنوع نیست، بلکه افق برتری را در فهم آیات قرآن در

برابر ذهن انسان می‌گشاید که برای اهل ظاهر پوشیده است. عطار نیشابوری، از جمله کسانی است که با رویکرد باطنیه به سراغ قرآن می‌رود. او در سخنان خود اذعان دارد که هیچ سخنی نباید صحیح‌تر از قرآن و حدیث به حساب آید. <sup>۳۱</sup> برای مثال در آیه «أَذْهَبَ إِلَيَّ فِرْعَوْنُ إِنَّهُ كَفَرٌ» <sup>۳۲</sup> آیا نمی‌توانیم موسی را به معنای عقل انسان که برای مبارزه با نفس (که همان فرعون درون است) برانگیخته می‌شود، تعبیر کنیم؟ آیا آیاتی مانند «... إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ...» <sup>۳۳</sup> به ما چنین اجازه‌ای نمی‌دهد که موسی عقل را در برابر فرعون نفس خود اعزام کنیم؟

پس برخلاف گفته برخی که این‌گونه برداشتها را، خارج از شریعت می‌دانند، <sup>۳۴</sup> باید گفت: بیشتر کسانی که به آیات قرآن این‌گونه می‌نگرند و برداشتهای عمیق‌تری از آن دارند، به شریعت پایبند هستند؛ زیرا پرداختن آنها به باطن تا جایی است که به ظاهر خدشه‌ای وارد نشود.

از سوی دیگر علت شیعی قلمداد کردن بطون قرآن، تعصب و سوء نظر برخی نسبت به مسئله امامت و دانش گسترده آنان است؛ زیرا در نگرش شیعی، پیوندی وثیق بین علم و آگاهی امام و اولیای الهی و بطون قرآن وجود دارد. <sup>۳۵</sup> همان‌طور که در لابه‌لای گفته‌های آنان، نمونه‌هایی از بیان بطن قرآن مشاهده می‌شود که جز برای امام معصوم و به واسطه علم حضوری آنها، برای دیگران تقریباً غیر قابل دسترسی است.

با وجود نگرشهای خلاف واقع برخی (که ذکر شد)، ارتباط بین بطون قرآن و جاودانگی و ابدیت آن، که از باورهای بنیادی و مورد اتفاق همه مسلمانان است، سبب شده که عالمان شیعه و سنی در حوزه تفسیر و علوم قرآن، هریک به گونه‌ای به طرح آن پردازند. انعکاس این موضوع در آثار پیشینیان و معاصران چندان گسترده است که بازخوانی کامل آن در این مقال نمی‌گنجد، از این رو گزارش کوتاه آن در ذیل می‌آید.

شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) با دید روایی خویش به مفهوم جری و تطبیق در آیات اشاره دارد و باطن قرآن را عامل ماندگاری و جاودانگی آن می‌داند. ایشان چهار وجه را در معنای ظهر و بطن بیان می‌کند:

۱. مقصود از ظاهر، داستانهای نابودی امتهای پیشین و مقصود از باطن، مواعظ و عبرتهایی است که از آن داستانها برای دیگران مانده است.

۲. مقصود از ظاهر این است که هیچ آیه‌ای نیست، مگر آنکه

۳۱. تذکرة الاولیاء، ج ۱، ص ۲.

۳۲. طه، ۲۴.

۳۳. یوسف، ۵۳.

۳۴. کیف تتعامل مع القرآن العظیم، ص ۲۹۵.

۳۵. «ظهر و بطن قرآن»، ص ۳۴.

۲۷. نهج البلاغه، ص ۳۳۰.

۲۸. پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن، صص ۲۰۶-۲۱۰.

۲۹. تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۲۸.

۳۰. کیف تتعامل مع القرآن العظیم، ص ۲۹۵.





گروهی طبق آن عمل کرده‌اند و منظور از باطن، این است که اقوام دیگری نیز در عصرها و نسلهای بعدی طبق آن عمل خواهند کرد.

۳. منظور از ظاهر، لفظ قرآن، و مقصود از باطن، تأویل آن است.

۴. مقصود از ظاهر و باطن این است که شما هرگاه از باطن آیه جستجو، و آن را بر ظاهر آیه قیاس کنید، بر معنای صحیح آیه وقوف می‌یابید.<sup>۳۶</sup>

سیوطی (د ۹۱۱ق) در کتاب خود، فصلی را به موضوع ظاهر و باطن قرآن اختصاص داده و در آن، به نقل دیدگاه عالمان پیشین و همچنین روایات این باب پرداخته است. وی افزون بر چهار وجه پیشین، دو وجه ذیل را نیز در معنای ظاهر و باطن می‌آورد و خود معنای ششم (ظاهر = تلاوت/ باطن = فهم) را می‌پذیرد.

۱. ظاهر قرآن، همان معانی و مفاهیمی است که برای عالمان به علوم ظاهر قابل دسترس است؛ اما باطن قرآن، اسرار نهانی است که خداوند، ارباب حقایق را بدانها آگاه می‌سازد.

۲. ظاهر قرآن، تلاوت آن، و باطن قرآن، فهم و درک آن است.<sup>۳۷</sup>

زرکشی (د ۷۹۴ق) در بیان معنای ظاهر و باطن، فقط به یک وجه بسنده کرده، و آن همان وجه دومی است که در کلام سیوطی دیده می‌شود.<sup>۳۸</sup>

در بررسی نظر مشترک شیخ طوسی و سیوطی در وجه اول، بنابر این تعریف از بطن قرآن، فقط آیاتی که داستانهای امتهای پیشین را بیان کرده‌اند، باطن دارند، در صورتی که در روایات فراوان، از جمله در روایات معتبری که اشاره شد، آمده است که تمام آیات قرآن ظاهر و باطن دارند. نیز بسیاری از معانی یا مصادیقی که در روایات، به عنوان باطن آیات ذکر شده است، اندرز حاصل از داستانهای قرآن نیست؛ نمونه آن، روایات معتبر طینت است.<sup>۳۹</sup> ولی اگر منظور این باشد که باطن آیاتی که قصه‌های امتهای نخستین را بیان کرده، اندرزهای حاصل از آنهاست و این بخشی از باطن قرآن است، قابل قبول است و چه بسا منظور از روایت مورد اشاره شیخ نیز همین معنا باشد.

در وجه دوم نیز افرادی را که در آینده به آیات عمل می‌کنند، مصادیق آینده آیات می‌داند و قسمی از باطن قرآن به شمار می‌آورد. اگر منظور از این وجه، انحصار ظاهر قرآن در افرادی که در گذشته به آیات عمل کرده‌اند (مصادیق گذشته) و انحصار

باطن آن در افرادی که در آینده به آیات عمل می‌کنند (مصادیق آینده) باشد، این وجه نیز با برخی مشخصات روایی باطن قرآن مطابقت ندارد و نمی‌توان به آن ملتزم شد؛ زیرا اولاً طبق این وجه، فقط آیاتی که بیانگر وظیفه و تکلیفی باشند و زمینه برای عمل کردن به آنها فراهم باشد، ظاهر و باطن دارند. روشن است که همه آیات چنین نیستند. ثانیاً بسیاری از بواطنی که در روایات برای آیات مختلف بیان شده است، با این وجه مطابقت ندارند؛ یعنی آن باطنها، افرادی که در آینده به آیات عمل می‌کنند، نیستند. ثالثاً آگاهی از افرادی که در آینده به آیات عمل می‌کنند، ویژه راسخان در علم نیست و برای دیگران نیز میسر است؛ حال آنکه، مطابق روایات، دست کم، هیچ‌کس جز راسخان در علم نمی‌توانند از بخشی از باطن قرآن آگاه شوند.<sup>۴۰</sup>

در شرح وجه سوم یعنی تساوی تأویل و بطن قرآن، می‌بایست بدانیم: یکی از معانی که برای تأویل خصوصاً در کاربرد قرآنی مطرح می‌شود، بیانها و برداشتهای وری ظاهر لفظ است، که مراد و مقصود حقیقی آیه است، ولی در ظاهر لفظ نیست و در عین حال با سیاق آیات سازگار است.<sup>۴۱</sup>

از مجموع آراء لغوی، تفسیری و علوم قرآنی دانسته می‌شود که واژه تأویل به تدریج از معنای آغازین لغوی فاصله گرفته و در آثار مؤلفان و مفسران حوزه‌های مختلف علوم اسلامی، به معنای توجیه آیات متشابه و فهم معانی درونی آیات (این دو با یکدیگر قرابت معنایی دارند) به کار رفته، به گونه‌ای که کاربرد آن در معنای اصلی منسوخ و در معنای جدید متبادر شده است.<sup>۴۲</sup> به نظر می‌رسد این واقعیت که قرآن آکنده از حقایقی تودرتوست و هرکس درخور استعداد و کوشش خود، به فهم وجوه گوناگون معنایی آن نائل می‌شود، از اسباب این تحول معنایی بوده است و مؤلفان و محققان برای اشاره به لایه‌های معنایی یا فرایند دستیابی به آن معانی درونی، مناسب‌ترین واژه را «تأویل» یافته‌اند.

بیشتر صاحب‌نظران، بطن قرآن را مترادف با تأویل آن می‌دانند، برای نمونه محمدهادی معرفت، بطن را معنای چهارمی از تأویل و مفهوم عام آیه که در موردی خاص نازل شده است، معنا می‌کند.<sup>۴۳</sup> این تعریف با روایاتی که بطن را مترادف با قاعده جری و تطبیق می‌دانند، منطبق است.

عده کمی از بزرگان، تأویل را جدای از باطن و حقایق خارجی می‌دانند که اگر این حقایق دگرگون شود، آن معارف هم که

۴۰. «چیستی باطن قرآن کریم از منظر روایات و بررسی دیدگاهها براساس آن»، ص ۱۰.

۴۱. القاموس المحیط، ج ۱، صص ۷۹ و ۸۰.

۴۲. روشهای تأویل قرآن: معناشناسی و روش‌شناسی تأویل در سه حوزه روایی، باطنی و اصولی، ص ۲۹.

۴۳. تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۲۶.

۳۶. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹.

۳۷. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۳۶.

۳۸. البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۶۷.

۳۹. قرآن در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، ج ۱، ص ۴۲.

مضامین آیات است، دگرگون می‌شود. از نظر آنان تأویل همان عین خارجی و رابطه قرآن با تأویل، رابطه مثال و ممثل است. ولی بطن قرآن همان معنای نهفته در زیر ظاهر است.<sup>۴۴</sup> آنان بطن را از سنخ تفسیر و قابل دسترس (در مراتب مختلف)، ولی تأویل را مختص ائمه اطهار(ع) و افرادی که از فیوضات خاص الهی بهره‌مند هستند و به علم حضوری دست یافته‌اند، می‌دانند.<sup>۴۵</sup>

گروه سوم مانند گروه دوم بطن را از سنخ تأویل می‌دانند، ولی دسترسی هردو آنها را به نبی اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) منحصر می‌کنند. آنها عقیده دارند که معانی باطنی قرآن، فراتر از دلالت عقلایی الفاظ بر معانی است و فهم آن راز و رمزی خارج از قواعد ادبی و اصول محاوره دارد.<sup>۴۶</sup>

به نظر می‌رسد به دو دلیل نظر گروه دوم صحیح باشد: اولاً با توجه به آیه «... وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...»<sup>۴۷</sup> علم تأویل قرآن در راسخان علم که معصومان(ع) هستند، منحصر شده است.<sup>۴۸</sup> ثانیاً با توجه به روایاتی که بطن قرآن را با قاعده جبری و تطبیق هم‌تراز می‌دانند، بطن می‌تواند قابل دسترس برای همه افراد در مراتب گوناگون فهم باشد، ولی تأویل چنین نیست.

در نتیجه می‌توان چنین گفت که باطن قرآن همان تأویل آن نیست. ولی از آنجا که باطن قرآن شامل مراتب معنایی آن است و تأویل نیز از نهفته‌ترین معانی آیات قرآن است، تأویل جزء درونی‌ترین بواطن قرآن است؛ یعنی هر تأویلی باطن قرآن است، ولی هر باطنی تأویل نیست.

درباره وجه چهارم از سخن شیخ طوسی، باید بگوییم: اگر منظور از آن، عدم تعارض باطن و ظاهر قرآن است، گرچه، نمی‌تواند تعریفی از باطن قرآن باشد، ولی سخن درستی است.

اما درباره دو وجهی که سیوطی به سخن شیخ افزوده است باید گفت: مورد اول بیشتر با وجه سومی که اشاره شد، همخوانی دارد. ولی مورد دوم که بطن را به طور کلی فهم حاصل از آیات قلمداد می‌کند، اجمالاً تعریف صحیحی از باطن قرآن است.

برخی نیز بطن قرآن را اجمالاً مجموعه حقایقی می‌دانند که ورای ظاهر آیات است. از جمله آنها ابن رشد اندلسی و فیض کاشانی را می‌توان نام برد. ابن رشد اندلسی (د ۵۹۵ق) بطون قرآن را حقیقتی می‌داند که وجود آن در ورای ظواهر آیات، هرگز قابل انکار نیست. وی در بیان فلسفه بطون، بر این نکته تأکید می‌ورزد که اگر ورای ظواهر آیات قرآن، بطونی نهفته نبود، بسیاری از معانی لازم و مورد نظر خداوند ناگفته می‌ماند.<sup>۴۹</sup> فیض کاشانی

نیز در آغاز تفسیر خود، بحث گسترده‌ای را به بیان و شرح ظاهر و باطن قرآن اختصاص داده است. وی اعتقاد دارد: سخنی که همه انسانها مخاطب آن هستند، باید به گونه‌ای باشد که عموم انسانها قادر به استفاده از آن باشند و این مستلزم آن است که چنین سخنی افزون بر ظاهر، حاوی اسرار و حقایق پنهانی باشد تا هرکس را از آن حظ و بهره‌ای به قدر عقول و درجات علمی و توان خود عاید شود.<sup>۵۰</sup>

برخی از بزرگان نیز با دید حکمی - عرفانی به بطن قرآن نگریده‌اند که از آن جمله می‌توان به صدرالدین شیرازی (صدرالمتألهین) اشاره کرد. او قرآن را منقسم به دو بخش؛ باطن و ظاهر می‌داند و طبق روایتی که برای قرآن هفت بطن در نظر گرفته است، مراتب باطن را نفس، قلب، عقل، روح، خفی و اخفی برمی‌شمارد. نیز ایشان قرآن را دارای درجات و مراتب متعددی می‌داند که برخی به منزله پوست، و برخی به منزله روح است. برخی از این مراتب با علوم اکتسابی قابل تحصیل هستند و برخی فقط از طریق علوم لدنی (خدادادی) قابل وصولند.<sup>۵۱</sup> صدرالدین شیرازی مراتب قرآن را به مراتب قلب در عرفان اسلامی تشبیه کرده است که درک و فهم این مراتب، منوط به افزایش علم و آگاهی و فیوضات خداوند، ترقی روح و سلوک الهی است و با تعریف ما از بطن قرآن همخوانی کامل دارد.

امام خمینی(ره) نیز با نگرشی مشابه، بر وجود باطن قرآن تأکید می‌ورزد و بسنده کردن به ظاهر و بازماندن از مغز و ژرفای آن را مرگ و نابودی آدمی می‌داند. وی بر این باور است که همه نادانیها و انکار نبوتها و ولایتها، در عدم درک و راه نیافتن به ژرفای قرآن ریشه دارد.<sup>۵۲</sup> ایشان در جایی برای قرآن ۷۰ بطن در نظر می‌گیرد. هرچند اثری از آن در روایات یافت نشد، ولی احتمال می‌رود مراد ایشان کثرت معانی و معارف باطنی قرآن باشد (همان‌طور که خود نیز به آن اشاره دارد) که در آن صورت با آن دسته از روایاتی که معارف قرآن را بی‌نهایت و علوم اولین و آخرین را در آن جمع دانسته‌اند، قابل جمع است. وی بطون قرآن را با مراتب فهم و درک و طوایف انسانها، از نظر درجه ایمان، مرتبط می‌داند.<sup>۵۳</sup>

هانری کربن شرق‌شناس فرانسوی نیز هفت بطن قرآن را با مراتب فهم انسانها مرتبط می‌داند و می‌گوید: «هر عارف اهل معنایی با دریافت درونی معنای قرآن، زمینه‌ای برای شکوفایی فعلیت ازلی قرآن فراهم می‌کند».<sup>۵۴</sup> او بطن و تأویل را رمز ماندگاری قرآن و نسبت ظاهر و باطن، شریعت و حقیقت و تنزیل و تأویل



۴۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۵.

۴۵. قرآن در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، ج ۱، ص ۴۲۳.

۴۶. روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۵۴.

۴۷. آل عمران، ۷.

۴۸. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۵.

۴۹. هرمنوتیک کتاب و سنت، ص ۱۱۲.

۵۰. تفسیر الصافی، ج ۱، صص ۱۹ و ۲۰.

۵۱. مفاتیح الغیب، صص ۴۱-۴۳.

۵۲. تفسیر سوره حمد، ص ۱۳۶؛ شرح دعای سحر، صص ۳۸ و ۵۹.

۵۳. نبوت از دیدگاه امام خمینی، صص ۴۹۲ و ۴۹۳.

۵۴. هانری کربن آفاق تفکر معنوی در اسلام و ایرانی، ص ۱۰۶.



را یکسان و مانند رابطه مثال و ممثل می‌داند.

آیت الله حسین بروجردی، با دیدی کاملاً متفاوت، این احتمال را می‌دهد که منظور از بطن همان علم به حروف مقطعه قرآن است.<sup>۵۵</sup> این تعریف گرچه می‌تواند در موارد خاص (مانند تأویل) تعریفی از بطن قرآن باشد، ولی لازمه قبول آن، اختصاص بطن به آیات حروف مقطعه است که این با تعاریف گذشته از بطن سازگار نیست.

با دقت در آثار بیشتر اندیشه‌ورانی که درباره ظهر و بطن قرآن نظر داده‌اند نیز تعریف پیش‌گفته را می‌توان به دست آورد.

آخوند خراسانی برای بیان ماهیت و چیستی بطن قرآن، دو احتمال ذکر کرده است:

الف) شاید مراد از بطن قرآن، معانی‌ای باشد که هنگام استعمال لفظ در معنا، به خودی خود، اراده شده باشند، به گونه‌ای که لفظ در آنها نیز استعمال شده باشد.<sup>۵۶</sup> بر این احتمال، دو اشکال شده است که اولاً، در صورتی که لفظ آیات در آن معانی استعمال نشده باشد، آن معانی، بطن آیات نیستند و حال آنکه در روایات، معانی باطنی از آیات به شمار آمده‌اند، که جزء استعمالات لفظ نیست. ثانیاً، اگر مراد از بطن قرآن، چنین معنایی باشد، این امتیاز و فضیلتی برای قرآن نسبت به سایر کلامها نیست؛ زیرا هنگام تکلم الفاظ، اراده معنایی، غیر از معنایی که لفظ در آن استعمال شده است، در محاورات غیر قرآنی نیز ممکن و چیز ساده‌ای است و حال آنکه در روایات، وجود بطن برای قرآن، عظمت و فضیلتی برای آن به شمار آمده است.<sup>۵۷</sup>

ب) شاید مراد از بطن، با وجود عدم توانایی فهم ما، همان لوازم معنایی کلام باشد.<sup>۵۸</sup> هر چند لوازم پنهان معنای مستعمل را می‌توان یکی از اقسام بطن به شمار آورد، در برخی روایات نیز چنین لوازمی از معانی آیات کریمه به حساب آمده است و چون دلالت آیات بر آن لوازم پنهان است، می‌توان گفت که از بطن آیات است. ولی در روایات زیادی، اموری که از لوازم معنای مستعمل فیه نیست، به عنوان بطن آیه معرفی شده است؛ مثلاً در روایت محمد بن منصور آمده است که ائمه جور، باطن آیاتی است که بر محرمات الهی دلالت می‌کند و ائمه حق، باطن آیاتی است که بر آنچه خدا حلال کرده است، دلالت می‌کند.<sup>۵۹</sup> در صورتی که ائمه جور و حق از لوازم محرمات و حلالهای الهی نیست. همچنین، در روایات بسیاری، آیات بر اموری منطبق شده‌اند که چون دلالت آیات بر آن امور طبق اصول محاوره ظاهر نیست، گفته می‌شود آن امور از بطن آیات کریمه است.

ولی آن امور از لوازم معانی مستعمل فیه ظاهر آن آیات نیست؛ به عنوان نمونه در ذیل آیات «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا. وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا. وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا. وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا»،<sup>۶۰</sup> در چند روایت، شمس به نبی اکرم (ص) و قمر به حضرت علی (ع) و نهار به امام از نسل حضرت فاطمه (س) و لیل به ائمه جور تأویل شده است.<sup>۶۱</sup> حال آنکه این افراد از لوازم معانی ظاهر آن آیات نیستند. پس به شکلی می‌توان این برداشت از آیات را بطن قرآن نامید.

در انتها به شرح دو دیدگاه از اندیشمندان و مفسران معاصر می‌پردازیم.

علامه طباطبایی با توجه به معنی لغوی، در تعریف بطن می‌گوید:

بطن معنای نهفته در زیر ظاهر است؛ چه آن معنا یکی باشد یا بیشتر؛ نزدیک به معنای ظاهری باشد، یا دور از آن.<sup>۶۲</sup> محمدهادی معرفت تعاریف مختلفی از بطن ارائه می‌دهد. ولی از جمله تعاریف مورد پذیرش ایشان، آن است که می‌گوید: مقصود از بطن آیه، مفهوم گسترده و دامنه‌داری است که در پس پرده ظاهر (یعنی ظاهر که در بند خصوصیات مورد نزول است)، نهفته است که تحت شرایطی این مفهوم وسیع بایستی از بطن آیه استخراج شود.<sup>۶۳</sup>

دو تعریف ارائه شده از بطن را به شکلی می‌توان مکمل و مبین هم در تعریف بطن قرآن، در نظر گرفت؛ یعنی بطن همان مفاهیم لایه لایه، تو در تو و گسترده‌ای است که در پس پرده ظاهر قرآن نهفته است و مفسر تحت شرایطی، می‌تواند به آنها دست یابد.

به همین دلیل است که تعاریف ارائه شده از بطن قرآن، مختلف است؛ زیرا هر روایت و هر مفسر براساس لایه‌ای از مفاهیم و معانی قرآن که بطن است، آن را تعریف می‌کند و همه آن تعاریف، در تعریف ارائه شده از بطن مشترک هستند که بطن خلاف ظاهر است و هر چه ظاهر نباشد، باطن است. در واقع بطن از مفاهیمی است که بیشتر از معنای مخالف آن، می‌توان آن را شناخت (تعرف الاشياء باضدادها).

### نتیجه‌گیری

۱. عقیده به باطن قرآن، از ابتدای نزول وحی تا امروز در حوزه تفکر دینی بوده است و اختصاص به دوره خاص ندارد. اولین اشاره‌ها توسط خود قرآن صورت گرفته و بعدها با بیان صریح پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به بخش تفکیک ناپذیری از باور مسلمانان تبدیل شده است.

۲. عقیده به باطن قرآن به مذهب خاص در تفکر اسلامی تعلق ندارد.

۵۵. الحاشیه علی کفایة الاصول، ج ۱، ص ۱۱۰.

۵۶. کفایة الاصول، ص ۲۸.

۵۷. محاضرات فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۲۱۳.

۵۸. کفایة الاصول، ص ۳۸.

۵۹. تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۲۵.

۶۰. ضحی، ۱-۴.

۶۱. تفسیر نورالتقلین، ج ۵، صص ۵۸۵ و ۸۵۶.

۶۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۴.

۶۳. علوم قرآنی، ص ۹۱.



۳. باطن قرآن، معانی و مصادیق پنهان آیات در سطوح مختلف است. این تعریف با معنای لغوی مناسبت دارد، همچنین، با روایاتی که تمام آیات قرآن را دارای باطن می‌دانند، سازگار است. به بیان دیگر معنایی که در پس پرده لفظ، مخفی مانده به بطن تعبیر می‌شود.

۴. باطن قرآن برای خواصی است که در اسرار پنهان عمیق می‌اندیشند و نهانهای در پس حجابها را بیرون می‌کشند و به خاطر وجود همین باطن است که از دانشمندان و پیشوایان امت خواسته شده است تا در آیات قرآن بیندیشند و در آن تدبیر نمایند و مفاهیم آن را به خوبی درک کنند و چنانچه بایسته است، آنها را بشناسند؛ زیرا همه ظاهر را می‌فهمند، پس ظاهر برای آنان حجت و تعیین کننده تکالیف ایشان است. اما باطن برای خواص است.

۵. با توجه به اینکه باطنهایی که در روایات برای آیات بیان شده، برخی قابل فهم برای عموم و برخی، فهم آن ویژه راسخان در علم است، مطابقت تعریف با این روایات مشخص می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که این تعریف، از جهات متعدد، با روایات باطن و مشخصاتی که در آن روایات، برای باطن قرآن بیان شده، مطابقت دارد و با هیچ‌یک از روایات باطن ناسازگاری ندارد.

۶. بطن قرآن امری نسبی و در عین حال مشکک است؛ یعنی مراتب فهم آن مجزا و قابل تفکیک نیستند و هر مرتبه از آن برای مرتبه خود، باطن، ولی برای مرتبه‌ای دیگر ظاهر است.

۷. بطن قرآن در مراتب پایین‌تر قابل دستیابی برای اهل تفسیر و علم و تدبیر، و در مراتب بالاتر قابل دستیابی برای راسخان در

علم که همان معصومان می‌باشند، است و فهم در آن رتبه قابل حصول برای عموم افراد نیست و فقط آنهایی که با فیض الهی از علوم حضوری بهره برده‌اند، قادر به درک این مراتب هستند.

۸. تأویل جزء درونی‌ترین بواطن قرآن است؛ یعنی هر تأویلی باطن قرآن است، ولی هر باطنی تأویل نیست؛ زیرا باطن قرآن شامل مراتب معنایی آن است و تأویل نیز از نهفته‌ترین معانی آیات قرآن است.

۹. باید توجه داشت که گرچه در روایات بر وجود بطن در قرآن صحه گزارده شده است و برخی آن را علت جاودانگی قرآن می‌دانند، ولی این صحیح نیست که اگر قائل به بطن قرآن نباشیم، لطمه‌ای به جاودانگی آن می‌خورد؛ زیرا ظاهر قرآن و تدبیر در آن که در آیات مختلف به آن سفارش شده است، نیازی به بطن یابی ندارد و در هر عصر و زمانی برای خوانندگان متدبیر بهترین راهنمای زندگی و سعادت دنیا و آخرت است.

۱۰. وجود بطن در قرآن به تنهایی، علت جاودانگی آن نیست، بلکه ظاهر قرآن با چینش حکیمانه‌اش جاودانگی آن را تضمین کرده است. همچنین دسترسی به این لایه‌های معنایی ماورای ظاهر قرآن برای کسانی میسر است که علاوه بر دانستن قواعد و لغت عرب، به تهذیب نفس و پاکی درون پرداخته‌اند و بدین واسطه به ایمان و معرفتی رسیده‌اند که درجاتی از علوم حضوری از مجرای علم الهی بر جانهای آنها سرازیر گشته است. این در حالی است که علم کامل و شامل از بطن قرآن نزد امامان معصوم (ع) است.



۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایة الاصول، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق.
۳. آلوسی، شهاب‌الدین محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۵. بابایی، علی‌اکبر و عزیزکیا و روحانی‌نژاد، روش‌شناسی تفسیر قرآن، تهران، سمت، ۱۳۷۹ش.
۶. بابایی، علی‌اکبر، «چپستی باطن قرآن کریم از منظر روایات و بررسی دیدگاهها بر اساس آن»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶ش.
۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۸. جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، ویرایش: محمد محرابی، قم، اسراء، ۱۳۷۸ش.
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه عروسی، تفسیر نورالثقلین، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، المطبعة العلمیه، بی‌تا.
۱۰. خمینی، روح‌الله، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ش.
۱۱. همو، شرح دعای سحر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ش.
۱۲. همو، نبوت از دیدگاه امام خمینی، تدوین: فروغ‌السادات رحیم‌پور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ش.
۱۳. خویی، ابوالقاسم، محاضرات، قم، دارالهادی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، الدار الشامیه؛ دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق»، مجله اندیشه دینی، زمستان ۱۳۸۶ش.
۱۶. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ق.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
۱۸. شاطبی، ابواسحاق ابراهیم بن موسی، الموافقات فی اصول الشریعه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۳ق.
۱۹. شاکر، محمدکاظم، روشهای تأویل قرآن: معناشناسی و روش‌شناسی تأویل در سه حوزه روایی، باطنی و اصولی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ش.
۲۰. شایگان، داریوش، هانری کرین آفاق تفکر معنوی در اسلام و ایرانی، ترجمه باقر پرهام، تهران، پژوهش فروزان روز، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ش.
۲۱. شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۲۲. شیرازی، صدرالدین، مفاتیح الغیب، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
۲۳. صدوق، محمد بن حسین بن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲۴. طباطبایی بروجردی، حسین، الحاشیه علی کفایة الاصول، تحقیق: غلامرضا بروجردی، قم، الصدر، ۱۴۱۲ق.
۲۵. طباطبایی، حیدر، پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن، قم، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ش.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، نجف، المطبعة العلمیه، ۱۳۷۶ق / ۱۹۷۵.
۲۸. عاملی اصفهانی، ابوالحسن، مرآة الأنوار و مشکوة الأسرار، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۳ق.
۲۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۱. فیاض، محمداسحاق، محاضرات فی اصول الفقه، قم، دارالهادی، ۱۴۱۰ق.
۳۲. فیروزآبادی شیرازی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، تصحیح: شیخ نصر هورینی، بیروت، بی‌تا، ۱۴۱۲ق.
۳۳. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۳۴. قضاوی، یوسف، کیف تتعامل مع القرآن العظیم، مصر، دارالشرق، چاپ سوم، ۱۴۲۱ق.
۳۵. مجتهد شبستری، محمد، هرمونیک کتاب و سنت، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵ش.
۳۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۳۷. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، تهران، تمهید، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
۳۸. همو، علوم قرآنی، تهران، سمت؛ مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹ش.
۳۹. نیشابوری، عطار، تذکرة الاولیاء، تصحیح: رنولدان نیکلسون، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۲۵ق.
۴۰. هاشمی، حسین، «ظهر و بطن قرآن»، مجله پژوهشهای قرآنی، شماره ۲۱-۲۲، ۱۳۷۹ش.

